

بررسی انسجام معنایی روایات تفسیری امام رضا(ع) با آیات سوره نساء در چارچوب نقش‌گرایی هلیدی

فاطمه رامیار^۱، محمد مهدی شاهمرادی فریدونی^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۶/۱۳ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۶/۲۷)

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل انسجام معنایی روایات تفسیری امام رضا(ع) ذیل سوره نساء، در چارچوب نظریه نقش‌گرایی نظام‌مند مایکل هلیدی، انجام شده است. اهمیت این بررسی در آن است که روایات معصومان(ع)، به‌ویژه در حوزه تفسیر قرآن، نه تنها بیادگر پیوند وثیق میان سنت و وحی اند، بلکه در سطح ساختاری و معنایی نیز واجد الگوی منسجم از سازمان‌دهی معنا هستند. بدین منظور، روایات معتبر منسوب به امام رضا(ع) درباره آیات سوره نساء، از منابع حدیثی گردآوری و بر اساس شش گونه فرایند تجربی هلیدی - مادی، ذهنی، نسبتی، کلامی، رفتاری و وجودی - تحلیل شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد که بهره‌گیری سنجیده از این فرایندها، شبکه‌ای چندلایه از روابط معنایی را میان آیات و تفسیر امام رضا(ع) ایجاد کرده است که هم در سطح واژگانی و نحوی و هم در لایه‌های مفهومی و علی، انسجامی پایدار و هدفمند پدید می‌آورد. این انسجام در دو بُعد عمودی (حرکت از بیان کلی آیه به تبیین عینی و کاربردی) و افقی (پیوند بینامتنی میان آیات مرتبط) قابل شناسایی است. نتایج تحقیق بیانگر کارآمدی چارچوب نقش‌گرا در کشف و تبیین روابط معنایی میان متن قرآن و روایات تفسیری است و می‌تواند الگویی مؤثر برای مطالعات تطبیقی در متون دینی فراهم سازد.

کلید واژه‌ها: انسجام معنایی، امام رضا(ع)، سوره نساء، نظریه نقش‌گرایی هلیدی، فرایندهای تجربی.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران؛
ramyfarfatmh@gmail.com
۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده
مسئول)؛
mm.shahmoradi@umz.ac.ir

۱. بیان مسئله

یکی از پرسش‌های بنیادی در مطالعات قرآنی و حدیثی، چگونگی کشف و تبیین انسجام معنایی میان آیات قرآن کریم و روایات معصومان(ع) است. اهمیت این موضوع، صرفاً به ارزیابی اعتبار روایات محدود نمی‌شود؛ بلکه امکان دستیابی به قرائتی عمیق‌تر و دقیق‌تر از محتوای احادیث را نیز فراهم می‌آورد. قرآن کریم نه تنها معیار اصلی سنجش روایات است، بلکه بستری معناشناختی برای بازخوانی و تفسیر آن‌ها به‌شمار می‌رود. با وجود این، بخش عمده‌ای از تحقیقات گذشته در حوزه روایات تفسیری امام رضا(ع) بیشتر جنبه گردآورانه یا محتوایی داشته و کمتر به لایه‌های زبانی و گفتمانی آن‌ها توجه کرده‌اند. همچنین، تحلیل‌های فلسفی - کلامی یا روش‌شناختی موجود نتوانسته‌اند ابعاد انسجام معنایی در روایت‌ها را به‌طور نظام‌مند توضیح دهند. از این رو، مسئله محوری پژوهش حاضر این است که انسجام معنایی روایات تفسیری امام رضا(ع) مرتبط با سوره نساء، در چارچوب نظریه نقش‌گرای هلیدی چگونه قابل تبیین است؟ و به‌ویژه اینکه، فرایندهای زبانی غالب در این روایات کدام‌اند و چگونه به بازنمایی و تقویت مفاهیم قرآنی یاری می‌رسانند.

۲. مقدمه

دستور نقش‌گرای مایکل هلیدی، با ظرفیت‌های تحلیلی گسترده‌اش، ابزاری کارآمد برای تحلیل انواع متون - اعم از آموزشی، علمی، ادبی و دینی - به‌شمار می‌آید (ابوالحسنی و میرمالک ثانی، ۱۳۰). زبان‌شناسی نقش‌گرا با تمرکز بر سه فرانش تجربی، متنی و بینافردی، چارچوبی نظام‌مند برای تحلیل گفتمان و بررسی روابط زبانی و معنایی ارائه می‌دهد. بر اساس دیدگاه هلیدی^۱، نقش‌های زبان در پیوند با موقعیت فرهنگی - اجتماعی

۱. مایکل الکساندر کرکود هلیدی (Michael Alexander Kirkwood Halliday, ۱۹۲۵-۲۰۱۸)، زبان‌شناس برجسته بریتانیایی و بنیان‌گذار رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند (Systemic Functional Linguistics) است. وی در آثارش، زبان را نه صرفاً مجموعه‌ای از قواعد صوری، بلکه ابزاری برای تولید و انتقال معنا در بسترهای

شکل می‌گیرند و دو وظیفه اساسی دارند: بازنمایی تجربه‌های انسانی و سازمان‌دهی روابط اجتماعی (Halliday & Matthiessen, 2004: 30). بخش عمده‌ای از این تجربه‌ها در قالب رفتارها، رویدادها و فرایندهای فکری تحقق می‌یابند و زبان، ابزار اصلی برای انتقال آن‌هاست. در این چارچوب، فرایندهای زبانی هسته معنایی بندها را می‌سازند. تامپسون آن‌ها را در شش گونه طبقه‌بندی می‌کند: مادی، ذهنی، نسبتی، کلامی، رفتاری و وجودی (Thompson, 1974. 97-111). چنین رویکردی، به‌ویژه در مطالعه متون مقدس، کارآمد است؛ چراکه زبان‌شناسان مسلمان از گذشته تاکنون با نگاه تحلیلی به قرآن، احادیث و ادعیه پرداخته و مکاتب متنوعی چون مصری، بصری و کوفی را بنیان نهاده‌اند (عرب زوزنی، ۳). پژوهش حاضر با بهره‌گیری از ظرفیت زبان‌شناسی نقش‌گرا، می‌کوشد رویکردی نوین در تحلیل روایات تفسیری امام رضا(ع) ذیل سوره نساء ارائه دهد و نشان دهد که این چارچوب نظری چگونه می‌تواند انسجام درونی روایت‌ها را آشکار ساخته و پیوندهای معنایی آن‌ها با آیات قرآن را توضیح دهد. بر همین اساس، تمرکز اصلی تحقیق بر تحلیل روایات تفسیری امام رضا(ع) ذیل آیات سوره نساء است تا ضمن شناسایی نوع و کارکرد فرایندهای زبانی، چگونگی بازتاب مفاهیم قرآنی در آن‌ها روشن شود.

۲-۱. پیشینه

پژوهش‌های پیشین در حوزه روایات تفسیری امام رضا(ع) را می‌توان در سه محور اصلی طبقه‌بندی کرد: نخست، مطالعات گردآورانه: این دسته از تحقیقات، پایه‌ای ضروری برای هر پژوهش بعدی فراهم کرده‌اند. آثاری مانند: «تفسیر اهل‌البیت علیهم‌السلام» اثر علیرضا برازش: این اثر ارزشمند به گردآوری و تنظیم روایات تفسیری همه ائمه(ع)

→ اجتماعی و فرهنگی معرفی می‌کند. نظریه او بر سه فرائض اصلی - تجربی، بینافردی و متنی - استوار است که هر یک گونه‌ای از معنا را بازنمایی می‌کنند (Halliday & Matthiessen, ۲۰۰۴: ۲۴-۲۵). از مهم‌ترین آثار او می‌توان به این موارد اشاره کرد: 'Language as Social Semiotic', 'Explorations in the Functions of', 'An Introduction to Functional Grammar', 'Language and Education' و 'Linguistic Studies of Text and Discourse', 'Spoken and Written Language'.

پرداخته و بخشی را به امام رضا(ع) اختصاص داده است. اما هدف آن عمدتاً استخراج و طبقه بندی موضوعی روایات است. در واقع این اثر، یک دایرة المعارف است. «مجموعه تفسیری امام رضا(ع)» به کوشش محسن دیمه کار و همکاران؛ این کتاب نیز همانند اثر قبلی، یک کار تدوینی و کتاب شناختی محسوب می شود. تمرکز آن بر ارائه متنی منقح و دسته بندی شده از روایات است. مقاله «بررسی روایات امام رضا(ع) در کتب اربعه و صحاح سته» اثر زهرا قاسم نژاد؛ این پژوهش از حیث مقایسه ای بودن حائز اهمیت است، اما محدوده آن به فقه محدود شده و روش آن نیز کمی و آماری است. در این مقاله به چگونگی بیان و چرایی انتخاب ساختارهای زبانی خاص توجهی نشده است. دسته دوم، مطالعات تحلیلی: این دسته گامی فراتر از گردآوری برداشته و به واکاوی محتوایی روایات می پردازند، مانند: کتاب «بررسی تحلیلی روایات تفسیری امام رضا(ع)» اثر گروهی از نویسندگان دانشگاه رضوی. این اثر به تحلیل محتوایی مضامین و مفاهیم اصلی در روایات تفسیری امام(ع) پرداخته است. اما رویکرد آن فلسفی- کلامی است و معنا را در سطوح عمیق تر زبانی و نحوه بازنمایی تجربیات (فرانقش تجربی) جستجو نمی کند. مقاله «تحلیل محتوای روایات امام رضا(ع) در باب توحید» اثر فاضله میرغفوریان نیز در چارچوب تحلیل محتوا، به استخراج و دسته بندی مضامین توحیدی می پردازد. در این مقاله گفتمان پیچیده امام رضا(ع) را به یک سری مقوله های از پیش تعیین شده تقلیل می دهد و به نقش ساختارهای معناشناختی در گفتمان روایات پرداخته نشده است. مقاله «بررسی و تحلیل روایات تفسیری امام رضا(ع) ذیل آیه ۲۹ سوره حج» از علی اسدیان. این تحقیق اگرچه موردی است، اما باز هم نتوانسته از سه سطح کلی روش ها(عقل، قرآن، سنت) فراتر رود و به تحلیل ریزبینانه زبانشناسی بپردازد. دسته سوم، مطالعات روش شناختی که به خود روش تفسیری امام(ع) متمرکز هستند. پژوهش هایی مانند: مقاله «روش شناسی تفسیری امام رضا(ع)» از علیرضا افتخاری: به شیوه تفسیری امام رضا(ع) در گونه های مختلفی از جمله ارشادی، تطبیق مصداقی و تطبیق فعلی و رفتاری می پردازد.

نوآوری نوشته حاضر نه صرفاً در موضوع آن است، بلکه در روش و چارچوب تحلیلی آن نهفته است. این پژوهش با اتکا به «زیان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی» صرفاً به توصیف روش‌ها نمی‌پردازد. این تحلیل لایه‌های پنهان معنایی در گفتمان را آشکار می‌سازد و همچنین نشان می‌دهد که روایات امام(ع) یک شبکه به هم پیوسته و منسجم را تشکیل می‌دهند، نه مجموعه‌ای پراکنده و جدا از هم. بنابراین، تمایز اصلی این تحقیق در آن است که از ابزارهای دقیق زبان‌شناختی (نظریه هلیدی) برای کالبدشکافی متن (روایات تفسیری) استفاده می‌کند تا به جای توصیف ظاهری، به کشف انسجام معنایی در گفتمان تفسیری امام رضا(ع) نائل آید و از محدودیت‌های رویکردهای پیشین بپرهیزد.

۲-۲. روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی است و با تکیه بر چارچوب زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند مایکل هلیدی، به تحلیل روایات تفسیری امام رضا(ع) ذیل سوره نساء می‌پردازد. در گام نخست، با جست‌وجوی نظام‌مند در منابع حدیثی و تفسیری، ۵۸ روایت منسوب به امام رضا(ع) در ارتباط با آیات این سوره گردآوری شد. این روایات از مناسبتی همچون عیون اخبار الرضا، التوحید، مسند الرضا و نیز از تفاسیر نقلی مانند البرهان و نورالتقلین و کنز الدقائق استخراج گردید.

با توجه به حجم بالای داده‌ها و محدودیت‌های نگارشی مقاله، امکان تحلیل همه روایات فراهم نبود؛ از این رو، نمونه‌ای منتخب از میان روایات - که از تنوع موضوعی برخوردار بوده و قابلیت نشان دادن انسجام معنایی در سطح فراتنقش‌های مختلف را داشتند - به‌طور تفصیلی تحلیل شد. برای گزینش روایات، معیارهای همچون اعتبار منبع، انتساب روشن به امام رضا(ع)، ارتباط محتوایی و حذف روایات تکراری مورد توجه قرار گرفت.

پس از این مرحله، مجموعه‌ای منسجم از روایات فراهم آمد. در گام نهایی، این روایات براساس الگوی فراتنقش‌های سه‌گانه هلیدی (تجربی، بینافردی و متنی) تحلیل شدند. بدین

ترتیب، ابتدا فرایندهای زبانی شناسایی و طبقه‌بندی گردید (مادی، ذهنی، نسبتی، کلامی، رفتاری و وجودی)، سپس پیوند این فرایندها با آیات مرتبط سوره نساء از منظر انسجام معنایی بررسی شد و در نهایت یافته‌های زبان‌شناختی با مفاهیم قرآنی تطبیق داده شد تا الگوی ارتباطی میان قرآن و روایات امام رضا(ع) ترسیم گردد.

۲-۳. چارچوب نظری پژوهش

در چارچوب زبان‌شناسی نقش‌گرای مایکل هلیدی، تحلیل معنایی متن بر پایه سه فراتقش اصلی - تجربی، بینافردی و متنی - انجام می‌شود. فراتقش تجربی با تمرکز بر بازنمایی تجربه‌های انسانی در زبان، بر «فرایندها» به عنوان هسته ساختار جمله تکیه دارد. هلیدی و ماتیسین (Halliday & Matthiessen, 1979) فرایندها را به شش دسته مادی، ذهنی، نسبتی، کلامی، وجودی و رفتاری تقسیم می‌کنند که هر یک نوع خاصی از تجربه را بازنمایی می‌کند.

۲-۳-۱. فرایندهای مادی (Material Processes)

این دسته از فرایندها به رویدادها و اعمالی دلالت دارند که در جهان خارج از ذهن رخ می‌دهند و مستلزم تغییر یا کنش هستند؛ مانند ساختن، نوشتن یا باز کردن. عنصر محوری این فرایندها «کنشگر» (Actor) است که منبع انرژی ایجادکننده تغییر محسوب می‌شود و اغلب، هرچند نه همیشه، با فاعل جمله هم‌پوشانی دارد. افعال مادی جنبه بیرونی و عینی دارند و وقوع یک عمل را بازمی‌نمایند (Halliday & Matthiessen, 1979).

۲-۳-۲. فرایندهای ذهنی (Mental Processes)

فرایندهای ذهنی به تجربه‌های درونی ذهن، شامل ادراک و احساس، مربوط می‌شوند (Halliday & Matthiessen, 1979) این فرایندها از نظر معنایی به چهار گروه تقسیم می‌گردند: الف) ادراکی (Perceptive): دیدن، شنیدن، توجه کردن؛ ب) شناختی

(Cognitive): فکر کردن، باور داشتن، گمان کردن؛ ج) احساسی (Emotive) : پشیمان بودن، علاقه داشتن، متنفر بودن؛ د) تمنایی (Desiderative): آرزو داشتن، خواستن، امیدوار بودن.

۲-۳-۳. فرایندهای نسبتی (Relational Processes)

این فرایندها رابطه یا نسبت میان دو پدیده را بیان می کنند و تجربه را در قالب «بودن» یا «وجود داشتن» بازنمایی می نمایند (Halliday & Matthiessen, 213). دو گونه اصلی آن عبارت اند از: وصفی (Attributive): نسبت دادن یک ویژگی به «حامل»، مانند: «آب گرم است»؛ تشخیصی (Identifying): معرفی یا شناسایی یک پدیده از طریق دیگری، مانند «تهران مقصد قطار است».

۲-۳-۴. فرایندهای کلامی (Verbals Prozesse)

این دسته شامل فرایندهای مرتبط با گفتار و انتقال پیام است و در موقعیت هایی که روایت در قالب گفت و گو شکل می گیرد، به طور گسترده کاربرد دارد (Halliday & Matthiessen, 225). فرایند کلامی واسطه ای میان مادی و ذهنی است؛ زیرا «گفتن» (Sayer) هم یک کنش فیزیکی است و هم بازتاب یک حالت ذهنی. نقش های اصلی این فرایند عبارت اند از «گوینده»، «گیرنده» (Receiver) و گاه «هدف گفتار» (Verbiage) که محتوای پیام را تشکیل می دهد.

۲-۳-۵. فرایندهای وجودی (Existential Processes)

این فرایندها برای بیان «وجود داشتن» یا «به وقوع پیوستن» پدیده ها به کار می روند و تنها یک مشارک اصلی دارند که «موجود» نامیده می شود (Halliday & Matthesse, 231). این موجود می تواند انسان، شیء، مفهوم یا رویداد باشد. در نحو، موجود معمولاً نقش فاعل را دارد، مانند «صندلی زرد در اتاق هست» که در آن «صندلی زرد در اتاق» موجود و «هست» فرایند وجودی است (قائم نیا، ۱۴۰۰، ۵۳۱).

۲-۳-۶. فرایندهای رفتاری (Behavioural Prozesse)

این فرایندها مرز میان رفتارهای روانی و فیزیکی انسان را پوشش می دهند، مانند نفس کشیدن، سرفه کردن، لبخند زدن، شگفت زده شدن یا خیره شدن (مهاجر و نبوی، ۲۵۰). به دلیل ماهیت بین رشته‌ای، این دسته گاهی ویژگی‌های فرایندهای دیگر را نیز دربرمی گیرد؛ برای مثال، «توطئه کردن» می تواند از نظر مقدمات ذهنی، فرایندی ذهنی، از نظر بازگویی، فرایندی کلامی، و از نظر اجرای نهایی، فرایندی مادی باشد (واعظ و اورندی، ۷۷).

۳. انسجام معنایی روایات تفسیری امام رضا(ع)

تحلیل فراتنش تجربی در چارچوب زبان شناسی نقش گرا، ابزار مؤثری برای کشف لایه‌های انسجام معنایی در روایات تفسیری امام رضا(ع) فراهم می سازد. این تحلیل با تمرکز بر سه مؤلفه‌ی اصلی کنشگر، کنش و هدف، این امکان را می دهد که نحوه‌ی انسجام معنا در روایت‌ها و پیوند آن‌ها با متن قرآن بررسی شود.

۳-۱. انسجام در فرایند مادی

«وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا» (النساء، ۱۰۱). آیه با عبارت «ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ» به کنش فیزیکی سفر اشاره دارد که مستلزم حرکت و تغییر مکان است (ابن فارس، ۳/۳۹۸؛ راغب، ۲/۵۰۵). فعل «ضَرَبَ» در اینجا به معنای «حرکت و کوبیدن پا بر زمین» آمده است (ابن منظور، ۱/۵۴۳) و به روشنی یک فرایند مادی حرکتی را نشان می دهد که فعالیت عینی مسافر را بازتاب می دهد (طباطبایی، ۵/۶۱). در کتاب العیون، فضل بن شاذان از امام رضا(ع) علت تشریح قصر نماز را چنین نقل می کند: نماز واجب در ابتدا ده رکعت بود و هفت رکعت بعداً افزوده شد. خداوند به سبب شرایط سفر، سختی، خستگی، مشغولیت به امور شخصی، کوچ (ظعن) و حمل بار (الأثقال)، آن رکعات افزوده را در سفر برداشت تا

انسان از امرار معاش و نیازهای ضروری اش باز نماند. سپس امام(ع) با تعیین «هشت فرسخ» به عنوان معیار قصر، آن را بر اساس مسافت معمول یک روزه ی حرکت کاروان ها و عموم مردم تبیین می کنند (ابن بابویه، ۱۱۲/۲). در این روایت، امام رضا(ع) آیه را از سطح کلی و مجمل، به سطحی عینی و ملموس منتقل می کنند و با بسط فرایند مادی، جزئیات آن را به گونه ای سامان می دهند که پیوندی روشن میان تجربه عملی سفر و حکم شرعی برقرار شود. ایشان با اشاره به عواملی همچون «تعب»، «نَصَب» و «اشتغال بأمر نفسه» شرایط جسمانی و فشارهای ناشی از سفر را که همگی در حوزه فرایندهای مادی و ملموس قرار می گیرند، به عنوان بخشی از بستر تشریح حکم مطرح می سازند. سپس مراحل سفر را با جزئیات بیشتری ترسیم کرده و به مؤلفه هایی مانند «ظعن» به معنای حرکت مکانیکی کوچ و «الأتقال» به معنای بارهای سنگین که مستلزم توقف و جابه جایی در طول مسیر است (طریحی، ۲۷۸/۶؛ راغب، ۱۷۳)، اشاره می کنند. در ادامه، با تعیین «هشت فرسخ» به عنوان «مسیر یک روز»، نوعی ارتباط میان فرایند مادی و سازمان زمانی- مکانی برقرار می شود که نشان دهنده دقت در تنظیم حدود شرعی بر اساس واقعیت های عینی زندگی مسافران است. این لایه بندی معنایی، انسجام مادی روایت را شکل می دهد و ساختاری منسجم از پیوند میان عناصر زبانی، شرایط واقعی سفر و دلالت های آیه ایجاد می کند.

جدول ۱- واژه کاوی انسجام مادی

واژه	نوع فرایند	پیوند با مفاهیم دیگر
ضَرَبْتُمْ	فعل مادی حرکتی	محور اصلی سفر و تغییر مکان
الأتقال	اسم مادی (اشیاء)	پیامد مستقیم سفر و کوچ
ظعن	فعل مادی مکانیکی	بخشی از فرایند جابه جایی و کوچ
مسیرة یوم	ترکیب مادی-زمانی	معیار عملی تعیین مسافت

آیه و روایت هر دو در بستر فرایند مادی عمل می‌کنند، اما آیه با یک بیان کلی، حرکت در سفر را محور حکم فقهی معرفی می‌کند و روایت با آوردن جزئیات عینی (خستگی، باربری، کوچ، تقسیم زمان)، علت حکم را بر مبنای تجربه عملی سفر توضیح می‌دهد. این هم‌پوشانی بین سطح قرآنی و سطح روایی، انسجامی عمیق ایجاد می‌کند که با اصول نظریه‌های پیوند نظام‌مند بین کنشگران، کنش‌ها و اهداف، کاملاً همخوان است.

۲-۳. انسجام در فرایند ذهنی

آیه ۵۴ سوره نساء با عبارت «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» به یک کنش ذهنی منفی یعنی حسد اشاره دارد؛ کنشی که ریشه در برداشت نادرست و قضاوت معیوب نسبت به بخشش الهی دارد (رضایی اصفهانی، ۱۵۹/۴). در کنار آن، «الْحِكْمَةَ» به عنوان یک کنش ذهنی مثبت تصویر می‌شود که به معنای توانایی ادراک ژرف حقایق و تشخیص مرز میان حق و باطل است (قرشی بنابی، ۱۶۳/۲؛ راغب، ۲۴۹). در چارچوب نقش‌گرایی هلیدی، هر دو مفهوم در قلمرو فرایندهای ذهنی قرار می‌گیرند، با این تفاوت که «حسد» در گروه فرایندهای احساسی و «حکمت» در گروه فرایندهای شناختی جای می‌گیرد. ساختار نقش‌گرایی آیه بدین‌گونه است که «هُم» به عنوان احساس‌کننده، فعل «يَحْسُدُونَ» را به عنوان فرایند ذهنی منفی و عبارت «آتَيْنَا... الحکمة» را به عنوان فرایند ذهنی مثبت دریافت می‌کند. «الناس» و «الكتاب و الحکمة» به عنوان پدیده‌های ذهنی عمل می‌کنند و «عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» نقش زمینه را بر عهده دارد. در روایت ریان بن صلت (ابن بابویه، ۲۳۷/۱؛ فزونی، ۴۸۶/۴)، امام رضا(ع) با تکیه بر همین آیه، واژه «الناس» را بر اهل بیت(ع) تطبیق داده و آن را به جایگاه علمی و معنوی برگزیدگان مرتبط می‌سازند. ایشان با پیوند دادن این آیه به آیه ۵۹ سوره نساء («يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ») روشن می‌کنند که حسد مورد نظر قرآن، در اصل حسد به موقعیت الهی و مشروع اهل بیت است. همچنین «الْمُلْكُ» که در بافت اولیه آیه به معنای حکومت مادی قابل برداشت است، در روایت امام رضا(ع)

به «اطاعت از اولی الامر» تعبیر می شود؛ بدین ترتیب، معنا از یک فرایند مادی به فرایند ذهنی-ارادی که بر تصمیم و التزام آگاهانه دلالت دارد، ارتقا می یابد. در چارچوب نظریه نقش گرای هلیدی، این تفسیر دو تحول اساسی را رقم می زند: نخست، تبدیل یک مفهوم مادی (حکومت) به یک کنش ذهنی-ارادی (اطاعت)، و دوم، ایجاد یک تقابل معنایی منسجم میان «حسد» به عنوان فرایند ذهنی منفی و «حکمت» به عنوان فرایند ذهنی مثبت. این تقابل، پیوند درونی و انسجامی میان آیات ۵۴ و ۵۹ سوره نساء پدید می آورد و شبکه ای معنایی می سازد که از سطح احساسی تا سطح شناختی و سپس ارادی امتداد می یابد.

جدول ۲- تحلیل نقش گرای فرایندهای ذهنی در آیه و روایت:

عنصر تحلیلی	مؤلفه قرآنی	مؤلفه روایی	نوع فرایند	نقش در انسجام
حسد	«أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ»	دشمنان اهل بیت(ع)	ذهنی منفی	نشان دادن سوء ادراک و نارضایتی از فضل الهی
حکمت	«آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ... الْحِكْمَةَ»	علم و بصیرت برگزیدگان	ذهنی مثبت	بیان موهبت ادراکی الهی و تمییز حق از باطل
مُلک	«آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا»	اطاعت از اولی الامر	تبدیل مادی به ذهنی	پیوند حکم شرعی با انتخاب آگاهانه و ولایی

امام رضا(ع) با به کارگیری نظام معنایی قرآن، الگویی انسجامی مبتنی بر فرایندهای ذهنی عرضه می کنند که سه لایه اصلی دارد: لایه احساسی که در آن حسد به عنوان واکنشی روانی و منفی نقد می شود، لایه شناختی که حکمت را به عنوان موهبت ادراکی و شناختی برجسته می سازد، و لایه ارادی که در آن سلطنت مادی به اطاعت آگاهانه تبدیل می گردد. این ساختار دقیقاً می تواند با مؤلفه های نظریه هلیدی همسو باشد، زیرا علاوه بر شناسایی نوع فرایند، نقش شرکت کننده ها و شرایط را روشن می سازد و تحولات معنایی را در قالب یک نظام منسجم، در پیوند میان متن قرآنی و روایت معصوم تبیین می کند.

۳-۳. انسجام در فرایند رفتاری

۳-۳-۱. تحلیل آیه و روایت

آیه ۸۰ سوره نساء با عبارت «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا» محور اصلی خود را بر فعل «يُطِيعُ» بنا می‌نهد؛ فعلی که در چارچوب نظریه نقش‌گرای هلیدی در گروه فرایندهای رفتاری قرار می‌گیرد. این فرایند از یک سو به کنشی عملی و قابل مشاهده یعنی اطاعت و پیروی اشاره دارد و از سوی دیگر، پیوندی عمیق با نگرش و التزام درونی برقرار می‌کند. در روایت عبدالسلام هروی (ابن بابویه، ۱/۱۱۵)، امام رضا (ع) برای پاسخ به شبهه‌ای کلامی درباره رؤیت خداوند، این آیه را در کنار آیاتی همچون «إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ» (الفتح، ۱۰) می‌آورند و روشن می‌سازند که اطاعت از پیامبر و بیعت با او، در حقیقت معادل اطاعت و بیعت با خداوند است. افزون بر این، ایشان با استناد به حدیث نبوی «مَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي أَوْ بَعْدَ مَوْتِي فَقَدْ زَارَ اللَّهَ»، مفهوم «زیارت» را فراتر از یک حضور جسمانی دانسته و آن را به عرصه‌ای گسترده‌تر که هم رفتار بیرونی و هم تجربه درونی را دربر می‌گیرد، پیوند می‌زنند. در تحلیل نقش‌گرایانه این روایت، زیارت در سه سطح معنایی تفسیر می‌شود. نخست، سطح مادی که زیارت را به حضور فیزیکی و دیدار چهره‌به‌چهره محدود می‌کند؛ همان معنای لغوی «زار» (طریحی، ۳/۳۱۹؛ فراهیدی، ۷/۳۷۹) که در حدیث «مَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي...» تجلی یافته است. دوم، سطح رفتاری که در آن زیارت به کنش‌های عملی و التزامات دینی ارتقا می‌یابد؛ مانند اطاعت («مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ» - النساء، ۸۰)، بیعت «إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ» - (الفتح، ۱۰) و پیروی از سنت نبوی. در این سطح، زیارت از صرف دیدار به مجموعه‌ای از اعمال پایدار و روزمره در رفتار دینی تبدیل می‌شود. سوم، سطح ذهنی - معرفتی که در آن زیارت به تجربه‌ای معنوی و ادراکی بدل می‌گردد و فهم مقام پیامبر و ولایت الهی را شامل می‌شود. در این برداشت، مفاهیمی مانند «مُلْكٌ عَظِيمٌ» (نساء، ۵۴) و «اطاعت از معصومین» به هم پیوند می‌خورند و زیارت به دیدار حقیقی خداوند در مراتب متعالی معنا می‌یابد. در این چارچوب، اجزای نقش‌گرای هلیدی به روشنی قابل شناسایی است: رفتار شامل افعالی

چون «يُطِيعُ»، «يُيَايِعُونَ» و «زَارَتِي»؛ انجام دهنده رفتار که مؤمنان‌اند؛ موضوع رفتار که پیامبر(ص) است و در روایت، به لحاظ معرفتی با خداوند متناظر می‌شود؛ و شرایط که شامل دنیا و آخرت، موقعیت بیعت یا دیدار، و مرتبه بهشتی پیامبر است. این بازشناسی مؤلفه‌ها نشان می‌دهد که امام رضا(ع) با تغییر کانون موضوع رفتار، آن را از سطح مادی به مرتبه‌ای معرفتی و الهی ارتقا می‌دهند.

جدول ۳- انسجام فرایندهای رفتاری

سطح تحلیل	عناصر	مؤلفه قرآنی	مؤلفه روایی	نوع فرایند	کاربرد تفسیری
فیزیکی	زیارت ظاهری، حضور جسمانی	-	«مَنْ زَارَتِي فِي حَيَاتِي...»	مادی	بیان نقطه آغاز معنای زیارت
رفتاری	اطاعت، بیعت، پیروی عملی	«مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ» (نساء، ۸۰) / «إِنَّ الَّذِينَ يُيَايِعُونَكَ» (فتح، ۱۰)	تأکید اهل بیت بر لزوم پیروی	رفتاری	پیوند زیارت با رفتارهای دینی الزامی
معرفتی	شناخت مقام نبوی و ولایت	«وَأَتَيْنَاهُمُ مُلْكًا عَظِيمًا» (نساء، ۵۴)	تفسیر امامیه از درجات بهشتی	ذهنی	اوج تحول معنایی زیارت به دیدار خداوند

تفسیر امام رضا(ع) نمونه‌ای روشن از انسجام معنایی میان سه نوع فرایند مادی، رفتاری و ذهنی است که در قالب یک زنجیره معنایی پیوسته قرار می‌گیرند. از مادی به رفتاری، یعنی حرکت از حضور فیزیکی در زیارت به کنش‌های عملی همچون اطاعت و بیعت؛ و از رفتاری به ذهنی، یعنی گذر از التزام عملی به درکی معرفتی و معنوی از مقام نبوی و ولایت الهی. این ساختار چندسطحی نه تنها به شباهت کلامی درباره رؤیت خداوند پاسخ می‌دهد، بلکه چارچوبی جامع برای رفتار دینی ارائه می‌کند که هم به ظاهر شریعت وفادار است و هم به عمق باطنی آن توجه دارد (طباطبایی، ۲۴/۵؛ زمخشری، ۵۳۹/۱؛ مکارم، ۲۵/۴).

۳-۳-۲. انسجام در فرایند رفتاری و ارتباطی در تبیین نسبت دو آیه

روایت حسن بن جهم (کلینی، ۳۵۷/۵) گفت وگویی ظریف و چندلایه میان امام رضا(ع) و راوی را به تصویر می‌کشد. این گفت‌وگو از نظر نقش‌گرایی هلیدی نمونه‌ای برجسته از ترکیب فرایندهای کلامی و فرایندهای رفتاری برای انتقال معنا و آموزش غیرمستقیم است. امام رضا(ع) با طرح پرسشی هدفمند «مَا تَقُولُ فِي رَجُلٍ يَتَزَوَّجُ نَضْرَانِيَّةً عَلَيَّ مُسْلِمَةً» موقعیت تعلیمی را آغاز می‌کنند. راوی، با استناد به آیه ۲۲۱ سوره بقره «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ»، حکم به حرمت می‌دهد. امام(ع) سپس آیه ۵ سوره مائده «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ» را مطرح می‌نماید تا نسبت میان دو آیه را به چالش بکشاند. پاسخ راوی مبنی بر نسخ آیه خاص مائده با آیه عام بقره، با واکنش غیرکلامی امام(ع) یعنی «فَتَبَسَّمَ ثُمَّ سَكَتَ» مواجه می‌شود.

جدول ۴- تحلیل نقش‌گرایانه فرایندهای روایت

نوع فرایند	مصادق در روایت	کارکرد ارتباطی و تفسیری
کلامی	پرسش امام: «مَا تَقُولُ...»، طرح آیات، پاسخ راوی	برقراری چارچوب استدلالی، فعال‌سازی دانش مخاطب
رفتاری	تبسم امام: «فَتَبَسَّمَ»	بازخورد غیرمستقیم، نشانه‌گذاری معنایی (عدم تأیید ضمنی)
رفتاری / ارتباطی ترکیبی	سکوت امام: «ثُمَّ سَكَتَ»	ایجاد مکث تأملی، واگذاری فرایند کشف معنا به مخاطب

در نظریه هلیدی، فرایند رفتاری پلی است میان مادی و ذهنی؛ در اینجا «تبسم» و «سکوت» نه صرفاً کنش‌های فیزیکی، بلکه حامل بار معرفتی و نشانه‌ای هستند که معنا را تکمیل می‌کنند. این گفت‌وگو در سه سطح معنایی قابل تحلیل است. در سطح ظاهری که جنبه فقهی دارد، موضوع اصلی بررسی حکم ازدواج با زن اهل کتاب در کنار زن مسلمان است. در سطح بینامتنی که بُعد قرآنی ماجرا را نشان می‌دهد، امام رضا(ع) با طرح پرسش و ایجاد فضای استدلال، مخاطب را به نسبت‌سنجی میان آیه عام بقره ۲۲۱ و آیه خاص

مأئده ۵ سوق می‌دهند؛ جایی که براساس اصول تفسیر، تخصیص عام با خاص بر نسخ مقدم است (طباطبایی، ۲۶۸/۲؛ فاضل مقداد، ۳۲۲). در نهایت، در سطح عمیق و آموزشی، این تعامل به فرصتی برای آموزش روش صحیح استنباط از دل تعارض ظاهری نصوص تبدیل می‌شود و قدرت تحلیل و استدلال مخاطب را پرورش می‌دهد.

با تطبیق این روایت بر نظریه فرایندهای ارتباطی هلیدی، نقش‌ها به وضوح قابل تشخیص است. امام(ع) با طرح پرسش، نقش آغازگر تعامل را بر عهده دارند. راوی در مقام پاسخگو با استدلال قرآنی واکنش نشان می‌دهد. سپس امام(ع) به عنوان بازخورددهندها تبسم و سکوت، واکنشی غیرمستقیم اما معنادار ارائه می‌کنند که نشان‌دهنده ارزیابی تلویحی است. این فرایندها در بستری از یک موقعیت آموزشی غیررسمی شکل می‌گیرند که هدف آن، آزمودن و ارتقای فهم مخاطب است. انسجام معنایی روایت، حاصل ترکیب دقیق زبان گفتاری و زبان بدن است. تبسم امام(ع) در این بافت، به مثابه نشانه‌ای برای اصلاح یا تأیید تلویحی عمل می‌کند و سکوت ایشان، فضایی برای بازاندیشی و تعمیق فهم در اختیار مخاطب می‌گذارد. این پیوند ظریف میان فرایندهای کلامی و غیرکلامی، یکی از هنرمندانه‌ترین شیوه‌های آموزشی اهل‌بیت(ع) را به نمایش می‌گذارد؛ شیوه‌ای که نه تنها انتقال معنا، بلکه پرورش روش اندیشیدن را نیز در بر می‌گیرد.

جدول ۵- تحلیل انسجام فرایندها در روایت

عنصر تحلیلی	فرایند کلامی	فرایند غیرکلامی	کارکرد تفسیری
متن روایت	پرسش و پاسخ قرآنی	تبسم و سکوت	انتقال مفاهیم چندسطحی
نوع فرایند	گفتاری	رفتاری	ارتباط چندکاناله
سطوح معنایی	ظاهری (فقهی)، بینامتنی (قرآنی)، عمیق (آموزشی)	نشانه‌گذاری ضمنی، ایجاد تأمل	آموزش روش استنباط
مؤیدات قرآنی	بقره، ۲۲۱ (عام)	مأئده: ۵ (خاص)	تبیین قاعده تخصیص عام با خاص
الگوی ارتباطی	بازخورددهنده ← پاسخگو ←	تکمیل پیام کلامی با زبان بدن	انسجام کلام و کنش

۳-۴. انسجام در فرایند نسبتی

در روایت نقل شده از دیلمی در ارشاد القلوب، مناظره‌ای میان معتزله و امام رضا(ع) بر سر مصداق «أَعْظَمُ الْكِبَائِرِ» شکل می‌گیرد. معتزله با استناد به آیه شریفه «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فِجْرًاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا» (النساء، ۹۳) قتل را بزرگ‌ترین گناه می‌دانند، زیرا از نگاه آنان، نص قرآنی هم صراحت و هم شدت مجازات را بیان کرده است. امام رضا(ع) در پاسخ، ساختار استدلالی آنان را با فرایندی نسبتی بازتعریف می‌کنند و می‌فرمایند: «أَعْظَمُ مِنْ الْقَتْلِ إِثْمًا وَأَقْبَحُ مِنْهُ بَلَاءُ الرَّئِئِيسِ». در اینجا، امام(ع) با به کارگیری نسبت «أَعْظَمُ مِنْ» و «أَقْبَحُ مِنْ»، رابطه‌ای مقایسه‌ای میان دو مقوله «قتل» و «زنا» برقرار می‌کنند که صرفاً کمی یا رتبه‌ای نیست، بلکه بر پایه پیامدهای کیفی و اجتماعی استوار است (دیلمی، ۷۱/۱). در این روایت، سه نوع نسبت معنادار دیده می‌شود:

جدول ۴- «فرایندهای نسبتی» در روایت

نوع نسبت	مصداق در کلام امام(ع)	توضیح
نسبت کمی	«أَعْظَمُ مِنْ الْقَتْلِ»	ارتقای رتبه گناه زنا از منظر شدت اثر نسبت به قتل
نسبت کیفی	«أَقْبَحُ مِنْهُ بَلَاءٌ»	سنجش کیفیت اثرگذاری منفی و دامنه فساد اخلاقی
نسبت زمانی و نسلی	«أُفْسِدَ النَّسْلَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»	تعمیم اثر از لحظه وقوع تا نسل‌های آینده

امام (ع) با این سه لایه نسبتی، معیار سنجش بزرگی گناه را از «شدت مجازات فردی» به «دامنه و ماندگاری آثار اجتماعی» تغییر می‌دهند.

۳-۴-۱. گذار از سطح فردی به اجتماعی

در استدلال معتزله، قتل مؤمن دارای پیامد مستقیم و فردی است. یک جان از بین می‌رود و مجازات آن در قیامت جاودانه است. اما امام رضا(ع) با افزودن بُعد اجتماعی به تحلیل، نشان می‌دهند که زنا نه تنها یک فرد، بلکه «ساختار نسب و طهارت نسل» را آلوده می‌کند و این آلودگی تا قیامت ادامه دارد. این تغییر سطح تحلیل، از منظر نقش‌گرایی،

گسترش دامنه شرکت‌کنندگان از فرد به جامعه و حتی تاریخ را نشان می‌دهد.

۳-۴-۲. تعمیم مفهومی واژه «خَالِدًا»

واژه «خالد» در لغت به معنای «باقی ماندن بی تغییر» است (أزهري، ۱۲۴/۷؛ صاحب بن عباد، ۳۰۳/۴). در آیه، این بقا به مجازات جهنم نسبت داده شده است، اما امام(ع) با ظرافت معنایی، مفهوم بقا را به آثار فساد اجتماعی تعمیم می‌دهند. همان‌طور که مجازات اخروی قتل باقی است، اثر تباهی زنا نیز در نسل بشر باقی خواهد ماند. این یک انتقال استعاری در چارچوب نسبتی است که معنای زمانی آیه را به حوزه اجتماعی می‌کشاند. از منظر انسجام متن، روایت امام رضا(ع) شبکه‌ای از پیوندهای منطقی و ارجاعی را در خود جای داده است که معنا را در سطوح مختلف تقویت می‌کند. ارجاع بینامتنی در این روایت با استناد هم‌زمان به آیه ۹۳ سوره نساء و انطباق آن با واقعیت‌های اجتماعی صورت می‌گیرد و زمینه‌ای مشترک برای مخاطب فراهم می‌آورد. ساختار مقایسه‌ای روایت بر پایه تقابل معنایی شکل می‌گیرد، جایی که عبارات «أعظم من» و «أقبح من» به کار می‌روند تا انسجام تضادی ایجاد شود و شدت قبح و عظمت دو گناه را در نسبت با یکدیگر برجسته کنند. در کنار این، پیوند علی نیز نقشی کلیدی دارد؛ امام(ع) با تبیین آثار نسلی و پیامدهای اجتماعی همچون فساد محارم، چرایی برتری گناه زنا بر قتل را روشن می‌سازند و این قضاوت ارزشی را در بستری عقلانی و استدلالی قرار می‌دهند. این شیوه تفسیر، ضمن وفاداری به ظاهر معنای آیه، مخاطب را به سطحی فراتر از دریافت نص می‌برد و او را به ارزیابی احکام و ارزش‌ها بر اساس گستره آثار آنها در حیات اجتماعی ترغیب می‌کند. از منظر نظریه نقش‌گرای هلیدی، چنین رویکردی حاصل ترکیب فرایندهای نسبتی با ساختار استدلالی علی است؛ ترکیبی که هم روابط معنایی را شفاف می‌سازد و هم چارچوبی تحلیلی برای سنجش اخلاقی و فقهی ارائه می‌دهد.

جدول ۵- تحلیل انسجام فرایند نسبیتی در روایت

عنصر تحلیلی	مصدق	نوع نسبت	بُعد انسجامی
نسبت کمی	«أَعْظَمُ مِنَ الْقَتْلِ»	رتبه‌ای	مقایسه شدت گناه
نسبت کیفی	«أَقْبَحُ مِنْهُ بَلَاءٌ»	کیفی	سنجش ماهیت اثر منفی
نسبت زمانی / نسلی	«أَفْسَدَ النَّسْلَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»	زمانی - نسلی	تداوم اثر در طول تاریخ
تعمیم مفهومی «خالد»	بقا در فساد اجتماعی	معنایی - استعاری	گسترش حوزه معنای آیه
انسجام بینامتنی	پیوند آیه نساء، ۹۳ با تفسیر اجتماعی	بینامتنی	ترکیب نص و تحلیل واقعیت

۳-۴-۳. انسجام در فرایند نسبیتی و بازنمایی هویت منافقان

روایت محمد بن فضیل از امام رضا(ع) در تفسیر آیه شریفه: «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ» (النساء، ۱۴۲) نمونه‌ای بارز از تلفیق چند لایه معنایی قرآن با تحلیل دقیق هویتی و رفتاری است. امام(ع) در این پاسخ مکتوب، به صورت منسجم از فرایندهای نسبیتی، مادی و ذهنی برای ترسیم سیمای کامل منافقان بهره می‌برند و ساختاری انسجام‌یافته از نشانه‌ها، رفتارها و نیات پنهانی آنان ارائه می‌دهند.

۱. فرایندهای نسبیتی؛ مرزبندی هویتی

امام رضا(ع) در نخستین گام با گزاره‌های رابطه‌تعریفی و منفی مانند: «لَيْسُوا مِنْ عَشْرَةِ رَسُولِ اللَّهِ»، «لَيْسُوا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»، «لَيْسُوا مِنَ الْمُسْلِمِينَ» هویت منافقان را به صورت قاطع از سه گروه مرجع - اهل بیت، مؤمنان و مسلمانان - جدا می‌کنند. این کاربرد فرایند نسبیتی، نقش مهمی در تعریف «دیگری مطرود» دارد و یک چارچوب مفهومی شفاف برای تمایزگذاری میان باطن و ظاهر ایمان ایجاد می‌نماید. این لایه، مبنای انسجام معنایی روایت است؛ زیرا به طور مستقیم با پیام آیه نساء، ۱۴۲ که منافق را بیرون از جرگه مؤمنان می‌داند، پیوند دارد (نک: طباطبایی، ۲۹/۵؛ زمخشری، ۵۶۰/۱).

۲. فرایندهای مادی؛ رفتارهای عینی

امام(ع) با بهره‌گیری از افعال کنشی چون: «يُخَادِعُونَ اللَّهَ»، «يُظْهِرُونَ الْإِيمَانَ» رفتارهای قابل مشاهده منافقان را بیان می‌کنند. «مخادعه» در اینجا به معنای تلاش برای ایجاد ظاهری فریبنده از ایمان است، که در برخی تفاسیر نیز به «إظهار الإيمان وإخفاء الكفر» تفسیر شده است (نک: فخررازی، ۱۰/۱۶۱؛ مکارم، ۴/۳۴۴). این سطح رفتاری، در پیوند مستقیم با سطح هویتی پیشین قرار می‌گیرد و مخاطب را از «هویت پنهان» به «کنش آشکار» راهنمایی می‌کند.

۳. فرایندهای ذهنی؛ نیت‌ها و باورهای پنهان

امام رضا(ع) با گزاره «يُسِرُّونَ التَّكْذِيبَ» وارد لایه ای می‌شوند که نه در ظاهر گفتار، بلکه در اعماق نیت‌ها و باورهای درونی جای دارد. این فرایند ذهنی ادراکی، پرده از دوگانگی بنیادین نفاق برمی‌دارد. ایمان به عنوان نقابی اجتماعی و تکذیب درونی به عنوان حقیقت روان‌شناختی. چنین تحلیلی، انسجام متن را از طریق پیوند دادن لایه‌های آشکار و پنهان شخصیت منافق کامل می‌کند.

۴. ساختار سه‌لایه‌ای انسجام در روایت

در این روایت، امام رضا(ع) با ترکیب سه نوع فرایند معنایی، ساختاری سه‌لایه از انسجام ایجاد می‌کنند که به صورت یک زنجیره معنایی منسجم قابل ترسیم است. در لایه نخست، فرایند نسبتی به‌کار گرفته می‌شود تا هویت منافقان تعریف و مرزبندی آن‌ها با جامعه ایمانی به طور قاطع مشخص شود؛ عبارتی چون «لَيْسُوا مِنْ عَشْرَةِ رَسُولِ اللَّهِ» آشکارا این جداسازی هویتی را بیان می‌کند. در لایه دوم، با بهره‌گیری از فرایند مادی، رفتار بیرونی این گروه ترسیم می‌شود؛ «يُظْهِرُونَ الْإِيمَانَ» نشان‌دهنده تظاهر به ایمان و انجام اعمالی است که ظاهراً مؤمنانه به نظر می‌رسد اما جنبه‌ای فریبنده دارد. در لایه سوم، فرایند ذهنی به‌کار می‌رود تا نیت پنهان و انگیزه درونی آنان افشا گردد؛ «يُسِرُّونَ التَّكْذِيبَ» پرده از

کفر و تکذیبی برمی دارد که در پس ظاهر دیندارانه مخفی شده است. این ساختار سه لایه، ضمن حفظ انسجام درونی روایت، کاملاً با آیه مورد استناد هماهنگ است و الگویی روش مند برای شناسایی و تحلیل نفاق در تمامی ادوار ارائه می دهد.

جدول ۶- تحلیل فرایندها در روایت تفسیری امام رضا(ع)

نوع فرایند	مؤلفه قرآنی/روایی	کارکرد تفسیری
نسبتی	«لَيْسُوا مِنْ عَشْرَةِ رَسُولِ اللَّهِ» / «لَيْسُوا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»	تعیین هویت و مرزبندی ایمانی
مادی	«يُخَادِعُونَ اللَّهَ» / «يُظْهِرُونَ الْإِيمَانَ»	نمایش رفتارهای عینی و ظاهری
ذهنی	«يُسِرُّونَ التَّكْذِيبَ»	آشکار کردن نیت و باورهای پنهان

این بازنمایی چندلایه بر اساس نظریه هلیدی، نشان می دهد که امام رضا(ع) نه تنها به تفسیر لفظی آیه می پردازند، بلکه آن را در قالب یک مدل ارتباطی-تحلیلی ارائه می کنند که شامل شناخت هویت، تحلیل رفتار و کشف نیت های درونی است. این انسجام عمودی (از هویت تا نیت) و افقی (پیوند با متن قرآن) روایت را به الگویی ماندگار در تحلیل نفاق تبدیل می کند.

۳-۵. انسجام در فرایند وجودی

آیه شریفه «لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِيَّ أَهْلُ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا» (النساء، ۱۲۳)

روایت تفسیری: «حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ تَمِيمِ الْقُرَشِيُّ... عَنْ أَبِي الصَّلْتِ الْهَرَوِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يُحَدِّثُ عَنْ أَبِيهِ... فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلُ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ» (ابن بابویه، ۷۸۰/۱).

امام رضا(ع) با نقل روایت از امام صادق(ع)، تفسیر خود را بر پایه تمایز میان «ساحت ذهنی» و «ساحت عینی» ایمان و عمل سامان می دهند. در این تفسیر، فرایند وجودی به معنای هستی یابی و تحقق واقعی مفاهیم، سه گام اصلی دارد: نخست، واژه «آمانی» به

تصریح منابع لغوی (أزهری، ۳۸۳/۱۵؛ حسینی زبیدی، ۲۳۶/۶) بر آرزوها و پندارهای صرف دلالت دارد؛ حال آنکه امام(ع) نشان می‌دهند این سطح از ایمان، در غیاب تحقق عملی، فاقد کارکرد در نظام پاداش و کیفر الهی است. گزاره «لا بالئیه» که در روایت آمده، این سطح ذهنی را به عنوان ناکافی بودن نیت بی عمل نقد می‌کند. دوم، نقطه ثقل تفسیر، انتقال از «آمانی» به «عمل» است؛ آن گونه که عبارت قرآنی «مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا» و تصریح روایی «بالعمل» (عسکری، ۱۲۷، ۱۴۰۰) بیان می‌کند. این انتقال، بیانگر محوریت کنش عملی در سنجش ایمان است؛ کنشی که موجودیت آن در جهان خارج معیار قضاوت الهی قرار می‌گیرد. سوم: گزاره «إِنَّمَا الْجَزَاءُ بِالْعَمَلِ» ساختار علی میان «بودن» و «کردن» را ترسیم می‌کند. در این جا، فعل قرآنی «يُجْزَى بِهِ» حلقه نهایی زنجیره‌ای است که از آرزو آغاز می‌شود، در عمل تحقق می‌یابد و در کیفر یا پاداش الهی به کمال می‌رسد.

جدول ۷- تحلیل فرایند وجودی در روایت

سطح تحلیلی	فرایند وجودی	مؤلفه قرآنی	مؤلفه روایی	کارکرد تفسیری
سطح ذهنی	فرایند انتزاعی	«بِأَمَانِيكُمْ»	«لا بالئیه»	نقد رویکردهای ذهن‌گرایانه
سطح عینی	فرایند ملموس	«مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا»	«بالعمل»	تأکید بر مسئولیت عملی
پیوندی	فرایند علی	«يُجْزَى بِهِ»	«إِنَّمَا الْجَزَاءُ»	ترسیم عدالت الهی و رابطه ذهن - عین (رابطه عمل و جزا)

امام رضا(ع) با این روش، یک انسجام عمودی ایجاد می‌کنند، از ذهن به عمل، و از عمل به پیامد. این انسجام، هم با متن قرآن مطابقت دارد و هم با منطق کلان تفسیری اهل‌بیت(ع) که ایمان را ترکیبی از باور قلبی و التزام عملی می‌دانند (نک: طباطبایی، ۳۶/۵). نتیجه آنکه، آرزوها و ادعاهای ذهنی تنها زمانی ارزش‌گذاری می‌شوند که در ساحت عینی وجود یابند و در چرخه عدالت الهی سنجیده شوند.

۳-۶. انسجام در فرایند کلامی

در آیه ۱۲۵ سوره نساء، عبارت «وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا» خبر از انتخاب ویژه الهی می‌دهد؛ انتخابی که در روایت امام رضا(ع) با تبیینی دقیق و هدفمند شرح داده شده است. بر پایه این روایت، علت این مقام والا در آن است که ابراهیم(ع) هیچ حاجتمندی را ناامید نکرد و از هیچ کس جز خداوند چیزی نخواست: «إِنَّمَا اتَّخَذَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا، لِأَنَّهُ لَمْ يَرُدُّ أَحَدًا وَلَمْ يَسْأَلْ أَحَدًا قَطُّ غَيْرَ اللَّهِ» (ابن بابویه، ۷۶/۲). واژه «خلیل» در منابع لغوی به معنای دوستی صمیمی آمده است که پیوندی عمیق و درونی با طرف مقابل دارد (راغب، ۲۸۴؛ فراهیدی، ۱۴۰/۴) و در تفاسیر نیز به معنای دوستی که حاجت دوست خود را برآورده می‌سازد، تفسیر شده است (طبرسی، ۱۷۸/۳؛ زمخشری، ۵۶۹/۱).

در چارچوب نقش‌گرایی هلیدی، فرایند «اتَّخَذَ» در آیه، در ظاهر یک کنش مادی (انتخاب کردن) است، اما چون در بستر وحی بیان شده، لایه کلامی نیز پیدا می‌کند. این سطح کلامی هنگامی کامل می‌شود که امام رضا(ع) با فعل «قال» در روایت، پیام الهی را به زبان تفسیر معصوم منتقل می‌کنند. نکته ظریف این است که امام(ع) این فرایند مادی-کلامی را با دو فرایند منفی بازتعریف می‌کنند. «لَمْ يَرُدُّ أَحَدًا» که یک فرایند مادی منفی و بیانگر گشودگی اجتماعی و تکریم حاجتمند است و «لَمْ يَسْأَلْ أَحَدًا قَطُّ غَيْرَ اللَّهِ» که یک فرایند بیانی منفی و نشانه توحید عملی و نفی اتکاء به غیر خداست. این دو فرایند، علت انتخاب ابراهیم(ع) به مقام خلیل‌الله را آشکار می‌سازند و رابطه‌ای علی میان رفتار بنده و انتخاب الهی برقرار می‌کنند. از منظر نظریه هلیدی، انسجام کلامی این متن در سه سطح عمل می‌کند. نخست، انسجام واژگانی با تکرار کلیدواژه «اتَّخَذَ» که پیوند مستقیم آیه و روایت را برقرار می‌سازد؛ دوم، انسجام معنایی که در رابطه علت و معلولی بین رفتار ابراهیم(ع) و انتخاب الهی تجلی می‌یابد؛ و سوم، انسجام بینامتنی که از ترکیب فرایند مادی در آیه و فرایند بیانی در روایت، یک ساختار تفسیری کامل و یکپارچه ایجاد می‌کند. بدین ترتیب، آیه و روایت نه تنها در سطح لفظی به هم مرتبط‌اند، بلکه در لایه‌های معنایی و تفسیری نیز پیوندی نظام‌مند و منسجم دارند.

جدول ۸- تحلیل انسجام کلامی در روایت

عناصر تحلیلی	مولفه کلامی	نوع فرایند	کارکرد تفسیری
آیه قرآن	«وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا»	فرایند مادی (اتخاذ) در بستر کلام الهی	بیان عمل الهی در انتخاب ابراهیم به عنوان دوست ویژه
روایت امام رضا(ع)	«قَالَ: إِنَّمَا اتَّخَذَ اللَّهُ»	فرایند بیانی (قال)	انتقال پیام تفسیری به مخاطب
علت یابی	«لَمْ يَرُدَّ أَحَدًا» + «لَمْ يَسْأَلْ أَحَدًا»	فرایند مادی منفی + بیانی منفی	تبیین علت انتخاب
ارتباط مفهومی	«غَيْرَ اللَّهِ» / «اتَّخَذَ اللَّهُ»	تقابل معنایی	ایجاد پیوند بین نفسی غیر خدا و اثبات ارتباط با خدا

این روایت نشان می‌دهد که فرایند کلامی در تفاسیر امام رضا(ع) نه صرفاً گزارش یک گزاره الهی، بلکه ابزاری برای بازسازی روابط علی، اجتماعی و اعتقادی است. امام(ع) با استفاده همزمان از فرایندهای مادی، بیانی و منفی، معنای آیه را از سطح گزاره خبری به سطح الگوی تربیتی و اعتقادی ارتقا می‌دهند. از منظر نظریه هلیدی، این شیوه تفسیری، نمونه‌ای ممتاز از انسجام چندلایه است که در آن متن وحی (آیه) و متن تفسیری (روایت) در سطح واژگان، معانی و ساختار علی هم‌پیوند می‌شوند و همچنین فرایندهای کلامی نقش «پل ارتباطی» بین فعل الهی و درک انسانی ایفا می‌کنند.

۴. نتایج پژوهش

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از چارچوب زبان‌شناسی نقش‌گرای مایکل هلیدی، نشان داد که روایات تفسیری امام رضا(ع) ذیل سوره نساء نه تنها از انسجام معنایی درونی برخوردارند، بلکه در پیوندی ساختاری و نظام‌مند با آیات قرآن کریم عمل می‌کنند. تحلیل شش‌گونه فرایند اصلی زبان - مادی، ذهنی، نسبتی، کلامی، رفتاری و وجودی - آشکار

ساخت که امام رضا(ع) از این فرایندها به طور هدفمند برای بازنمایی، تکمیل و تعمیق مفاهیم قرآنی استفاده کرده‌اند. نتایج تحقیق بیانگر آن است که انسجام عمودی در روایات، از طریق حرکت از مفاهیم کلی قرآنی به مصادیق عینی و عملی شکل می‌گیرد. انسجام افقی با پیوند بینامتنی میان آیات مرتبط و روایت‌های تفسیری، شبکه‌ای معنایی می‌آفریند که از لایه‌های احساسی و شناختی تا سطوح رفتاری و اجتماعی امتداد دارد. ساختارهای معنایی در این روایات، همزمان، نقش تبیینی، تربیتی و استدلالی ایفا کرده و مخاطب را از دریافت صرف لفظ به درک عمیق‌تر و کاربرست عملی آموزه‌ها سوق می‌دهند. بدین ترتیب، رویکرد نقش‌گرای هلیدی نه تنها ابزاری کارآمد برای تحلیل انسجام معنایی متون روایی به شمار می‌آید، بلکه امکان بازسازی دقیق روابط معنایی و علیّی میان متن وحی و گفتار معصوم را فراهم می‌آورد. این دستاورد، چشم‌اندازی نو برای پژوهش‌های بینارشته‌ای در حوزه مطالعات قرآنی و حدیثی گشوده و می‌تواند مبنای تحلیل‌های تطبیقی در متون دینی دیگر نیز قرار گیرد.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم؛ پژوهش‌های اندیشه، ۱۳۹۰ش.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران؛ جهان، ۱۳۷۸ق.
۳. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قم؛ مکتب الأعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، محقق: جمال الدین میردامادی، بیروت؛ دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۵. اسدیان، علی، بررسی و تحلیل روایات تفسیری امام رضا(ع) ذیل آیه ۲۹ سوره حج، زلال وحی، بهار و تابستان، شماره ۲۶، صص ۷۳-۶۰، ۱۳۹۶ش.
۶. ایزدی، مهدی، مبانی و روش تفسیر رضوی، فرهنگ رضوی، خرداد، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۷۷-۱۵۷، ۱۳۹۲ش.
۷. ابوالحسنی زهرا و مریم السادات میر مالک ثانی، بررسی کتابهای درسی دانشگاهی براساس نظریه نقش‌گرای نظام‌مند هالیدی و مقایسه آن با متون همسان غیر درسی، سخن سمت، شماره ۲۰، صص ۱۲۹-۱۴۳، ۱۳۸۷ش.
۸. آزه‌ری، ابومنصور محمد بن محمد، تهذیب اللغة، محقق: محمد عوض مرعب، بیروت؛ دارالاحیاء التراث العربی، ۲۰۱۰م.
۹. برازش، علیرضا، تفسیر اهل‌البيت عليهم السلام، تهران؛ امیرکبیر، ۱۳۹۴ش.
۱۰. پراپ، ولادیمیر یا کاولویویچ، ریخت‌شناسی قصه‌های پریان، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، توس، ۱۳۶۸ش.
۱۱. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، محقق‌علی هلالی و علی سیری، بیروت؛ دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۱۲. دلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب إلى الصواب، ترجمه سلگی، قم؛ ناصر، ۱۳۷۶ش.
۱۳. دیمه کار، محسن؛ کریمی، محمود، مجموعه تفسیری امام رضا(ع)، مشهد؛ بنیاد فرهنگی و هنری امام رضا(ع)، ۱۳۹۲ش.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، محقق: صفوان عدنان داوودی، بیروت؛ دارالشامیه، ۱۴۱۲ق.
۱۵. رضایی اصفهانی، محمد علی، تفسیر قرآن مهر، قم؛ پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷ش.
۱۶. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، مصحح مصطفی حسین احمد، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۱۷. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، المحیط فی اللغة، محقق: محمد حسن آل‌یاسین، بیروت؛ عالم‌الکتاب، ۱۴۱۴ق.
۱۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت؛ مؤسسة الأعلمی للطبوعات، ۱۳۵۲ش.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، مترجم: احمد بهشتی، تهران؛ فراهانی، ۱۳۴۰ق.
۲۰. طریحی، فخرالدین محمد، مجمع البحرین، محقق: احمد حسینی اشکوری، تهران؛ مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۲۱. عسکری، حسن بن عبدالله، الفروق فی اللغة، بیروت؛ دارالآفاق الجدیده، ۱۴۰۰ق.
۲۲. العطاردی، شیخ عزیزالله، مسند الامام الرضا(ع)، تهران؛ مکتبه الصدوقریال، ۱۳۹۲ق.
۲۳. عرب زوزنی محمدعلی و محمدرضا پهلوان‌نژاد، بررسی ساختار گذرای در خطبه ۲۰ هفتم نهج البلاغه براساس فرا نقش تجربی نظریه نقش‌گرا؛ فصلنامه پژوهشی پژوهش‌نامه نهج البلاغه سال سوم، شماره ۹، صص ۲۶۱، ۱۳۹۴ش.
۲۴. فتوحی، محمود، سبک‌شناسی، نظریه رویکردها و روش؛ تهران؛ سخن، ۱۳۹۰ش.
۲۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم؛ هجرت، ۱۴۰۹ق.
۲۶. قاسم‌نژاد، زهرا، بررسی روایات امام رضا علیه السلام در کتب اربعه و صحاح سته (مطالعه موردی باب الصلوة)، کتاب و سنت، تابستان، شماره ۱۱، صص ۲۸-۵، ۱۴۰۲ش.
۲۷. قائمی‌نیا، علیرضا، موافقت معنایی (موافقت گشتاری، موافقت تعبیری، موافقت فراتقشی)، مشهد؛ آستان قدس رضوی، ۱۴۰۰ش.
۲۸. قرشی، بنابی، علی‌اکبر، قاموس القرآن، تهران؛ دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.

۲۹. قزوینی، محمدحسین، موسوعه الإمام الرضا علیه السلام، قم؛ موسسه تحقیقاتی ولیعصر، ۱۴۲۸ق.
۳۰. گروه علوم قرآنی و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی، بررسی تحلیلی روایات تفسیری امام رضا(ع)، مشهد؛ آستان قدس رضوی، ۱۴۰۱ش.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران؛ دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۳۲. مهاجر، مهران و نبوی، محمد، به سوی زبان‌شناسی شعر، تهران؛ آگه، ۱۳۹۳ش.
۳۳. میرغفوریان، فاضله، تحلیل محتوای روایات امام رضا(ع) در باب توحید با محوریت کتاب عیون أخبار الرضا(ع)، فرهنگ رضوی، تابستان ۱۴۰۰، شماره ۳۴، صص ۱۲۱-۸۷، ۱۴۰۰ش.
۳۴. واعظ، بتول؛ اورندی، فرحناز، بازخوانی داستان «بیک نیک» ابوتراب خسروی در پرتو نظریه نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی در سطح فراتش اندیشگانی، پژوهش‌نامه زبان عربی، دوره ۱، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲، صص ۹۵-۶۳، ۱۴۰۲ش.
۳۵. هلیدی مایکل و رقیه حسن، زبان، بافت متن ابعاد زبان از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی؛ ترجمه محسن نوبخت تهران؛ سیاه‌رود، ۱۳۹۳ش.
36. Evans, Vyvyan & Green, Melanie, Cognitive Linguistics; An Introduction, New Jersey, Lawrence Erlbaum Associates, Publishers, 2006.
37. Halliday, M. and Matthiessen, Ch. An introduction to functional Grammar, Third edition. London: Hodder Arnold, 2004.
38. -----, Halliday's introduction to functional Grammar. Revised by Christian Matthiessen. Fourth edition. London & New York: Routledge, 2014.
39. -----, Language as social semiotic: The social Language and Meaning. London: Edward Arnol, 1978.
40. Jackendoff, Ray, Semantics and cognition, MIT Pres, 1983.
41. Thompson, Geof, Intruding Functional Grammer, and edition, London: Routledge, p. 95-111, 1974.